

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ دسمبر ۲۰۱۸

"۱۲ فرد خبیث" و "مأموریت ناممکن"*

شنبه- ۱۰ قوس ۱۳۹۷- کابل: از همان نخستین روز هائی که "غنی احمدزی" از به بازی گرفتن "انباق" برای به اصطلاح "شورای عالی صلح" زیر نام "بورد مشورتی" سخن گفت همه به یاد داریم که از همه جا، چگونگی ترکیب این "بورد" و این که کدام نفر شایسته عضویت در آن است و کدام نفر نیست، به بحث گرفته شد. به خصوص وقتی سه روز قبل "غنی احمدزی" به جهانیان تولد این مولود ناپاک را اطلاع داد و حدسیات مردم از ترکیب آن صحت یافت، روز و ساعتی نیست که رسانه های وابسته به دولت و امپریالیسم، مردم را با بحث در این مورد سرگرم ن سازند، اما آنچه در این سردرگمی ها اصلاً بدان توجه صورت نمی گیرد، نکات آتی است:

۱- اکثر آنهایی که هیأت فعلی را ناتوان در پیشبرد پروژه صلح معرفی می دارند گذشته از یک خطای فکری غیر قابل بخشایش، مرکب از دو بخش می باشند. یا آنهایی هستند که با تعیین هیأت جدید منافع قبلی آنها - اعم از خودشان و یا دوستان شان- به خطر مواجه شده، عوایدی را که تاحال به نام صلح از طریق به اصطلاح "شورای عالی صلح" به جیب زده و می زنند با خطر قطع شدن مواجه می بینند و یا کسان دیگری که انتظار داشتند از آن نمذ کلاهی برای خودشان نیز دست و پا گردد.

و اما آن خطای بزرگ و نابخشودنی گره زدن صلح افغانستان به انتخاب این یا آن فرد است. این بخش از مردم یا نمی خواهند و یا هم نمی توانند ببینند و درک نمایند که تأمین صلح در افغانستان با در نظر داشت تمام دلایل و عوامل داخلی و خارجی چنان روند پیچیده و مغلقی است که به گفته مردم به حساب تنهائی "حضرت فیل" هم قادر نیست آن را انجام دهد.

۲- دومین و شاید هم اساسی ترین نکته ای که از طرف برخی ها آگاهانه و از جانب اکثریت با تأسف بی خبرانه، به بحث گرفته نمی شود، اراده و قصد "باندارگ" از ایجاد این نهاد است. به عبارت دیگر کمتر کسی به خود وقت و زحمت این را می دهد تا بعد از تحقیق حکم نماید که آیا "باندارگ" واقعاً می خواهد در افغانستان صلح برقرار گردد و یا خیر؟ سؤال را مشخصتر می سازم:

آیا "غنی احمدزی" حاضر است با آمدن صلح در افغانستان و انتقال قدرت به فرد دیگری عجلتاً ملا "هیبت الله"، از عواید فعلی چند صد میلیون دالری صرف نظر نموده، پشت دروازه بانک جهانی جهت دیدن یک مدیر عمومی ساعت ها منتظر بماند؟

هموطنان گرامی!

وقتی از این منظر به قضایا نگریسته شود، متوجه می شویم که نه "غنی احمدزی"، نه "عبدالله عبدالمود"، نه کلیت "باندا ارگ" و نه هم تمام آنهایی که از قبل جنگ و دوام آن به نان و نوائی رسیده اند، نه صلح می خواهند و نه هم به فکر صلح هستند.

۳- پس در چنین حالتی که از یک جانب بادر "غنی احمدزی" یعنی "ترمپ" می خواهد نامی از خود در تاریخ امریکا به یادگار گذارد که گویا به طولانی ترین جنگ تجاوزگرانه امریکا در طول تاریخ خاتمه بخشید و از جانب دیگر شخص "غنی احمدزی" و سایر بادرانش با آن موافق نباشند، "غنی" باید چه کار کند؟ برود یک هیأت صلح از انسان های شریف، کارآ و دلسوز به مردم افغانستان انتخاب کند؟ تا بدون اطلاع "غنی" و "باندارگ" درک خود و مردم را از روند صلح و چگونگی رسیدن به آن تعمیق نمایند؟ برود چند جنگسالار معامله گر با زبان دراز را انتخاب کند؟ تا بدون اطلاع "غنی" خود با طالب کنار آمده رقص مرگ "باندارگ" را به مردم مجانی نمایش دهند؟ و در جریان کار به حرف "غنی" ارزش ملی هم قایل نشوند.

۴- درست است که جهت بهبود کار "غنی احمدزی" را می توان صاحب "مغز متعفن" دانست، مگر در حرامزادگی و کلاه احمد را بر سر محمود گذاشتن او یقیناً فرد دوم جهان است و می داند که چگونه بر سر همه شیر به مالند.

دیده شود چه می شود!!

*- سینما رو ها می دانند که عنوان مطلب از ترکیب نام دو فلم امریکایی با اندکی تغییر ساخته شده است.